**نام مقاله: رابطه بين ميزان تماشاي برنامه هاي تلويزيوني و استفاده از منابع اطلاعاتي غير درسي**

**نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)**

**شماره نشريه: 36 \_ شماره چهارم، جلد 9**

**پديدآور: سيد عباس رضوي،‌مجيد جعفريزاده،‌ دكتر داريوش نوروزي**

**مترجم:**

**چكيده**

**اين پژوهش به منظور بررسي رابطه موجود بين تماشاي تلويزيون و استفاده از منابع اطلاعاتي غير درسي مانند كتاب، روزنامه و مجله انجام شده است. بدين منظور، از ميان كليه دانش‌آموزان مدارس راهنمايي پسرانه شهر كرمان (18760=N) تعداد 600 دانش آموز با استفاده از روش نمونه‌گيري خوشه‌اي انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوري اطلاعات پرسشنامه‌اي، محقق ساخته بود كه روايي آن با استفاده از نظر 7 تن از متخصصان موضوع تعيين گرديد. به منظور بررسي پايايي ابزار جمع آوري داده‌ها از آلفاي كرانباخ استفاده شد و پايا بودن آن مورد تأييد قرار گرفت(72/0=a). داده‌هاي به دست آمده با استفاده از روشهاي توصيفي آماري مانند ميانگين و درصد و نيز روش آماري استنباطي خي دو (مجذور كاي) تجزيه و تحليل شد. يافته‌هاي اين پژوهش نشان مي‌دهد بين ميزان تماشاي تلويزيون و ميزان مطالعه كتابهاي غيردرسي و مطالعه روزنامه رابطه‌اي معنادار وجود ندارد، ولي در مورد ميزان تماشاي تلويزيون و ميزان مطالعه مجله، رابطة معناداري مشاهده شد؛ بدين ترتيب كه با افزايش ميزان تماشاي تلويزيون توسط دانش‌آموزان ميزان مطالعه مجله توسط آنان كاهش مي يابد.**

**كليدواژه‌ها: منابع اطلاعاتي، تماشاي تلويزيون، كتاب غيردرسي، روزنامه، مجله**

**مقدمه**

**در عصر حاضر كه آن را عصر اطلاعات مي‌دانند، بهره‌گيري از منابع گوناگون اطلاعاتي به عنوان منابع مختلف تغذيه بشر مورد توجه قرار گرفته است. جوامع اطلاعاتي براي آن كه شهرونداني فرهيخته و باسواد داشته باشند، بايد از طرق مختلف اطلاعات مناسب و لازم براي آنان را در اختيارشان قرار دهند. اين امر سبب مي‌شود افراد در ابعاد گوناگون رشد يابند و علاوه بر داشتن تخصصهاي مورد نياز جامعه، از بينش و دانشي كه براي هر شهروند و براي گذران يك زندگي متفكرانه لازم است، برخوردار شوند.**

**مدارس به عنوان يكي از نهادهاي رسمي كه متولي آموزش و پرورش افراد جامعه هستند، تمام همّ و غم خود را بر آن مبذول داشته‌اند تا مهارتهاي گوناگون زندگي را به دانش‌آموزان بياموزند و در قالب كتابهاي درسي اطلاعات ارزشمندي را به آنان ارزاني مي‌دارند. اما همان‌گونه كه مي‌دانيم، تنها كتابهاي درسي نيستند كه بر روي دانش، مهارت و نگرش دانش‌آموزان تأثير مي گذراند. منابع اطلاعاتي ديگري از قبيل كتابهاي غير درسي ـ مانند كتابهاي علمي، داستان و طنز و نظاير آن ـ همچنين مجله‌ها و روزنامه‌ها همواره اطلاعات متنوعي را در اختيار همگان قرار مي‌دهند. اين منابع به خودي خود اهميت فراواني دارند و در جوامع اطلاعاتي بهره‌گيري از آنان يك ضرورت به شمار مي‌آيد. توجه به اين منابع از سوي دانش‌آموزان، به آنان كمك مي‌كند تا علاوه بر دانش تخصصي كه در مدرسه مي آموزند، دانش و بينش خود را در زمينه‌هاي ديگر از جمله اجتماعي، فرهنگي، هنري، علمي، سياسي، اقتصادي و نظاير آن گسترش دهند و از اين طريق بتوانند همگام با ديگران، در مسير رشد و توسعه شخصي و اجتماعي گام بردارند.**

**از سوي ديگر، همان‌گونه كه كتابها، مجله‌ها و فرمهاي چاپي افراد را در معرض اطلاعات متنوع قرار مي‌دهند، رسانه‌هايي چون تلويزيون، راديو و به تازگي اينترنت به ما كمك ‌مي‌كنند تا دانش خود را در زمينه‌هاي گوناگون افزايش دهيم.**

**رسانه‌هاي ياد شده، نقش مهمي در زندگي كودكان و نوجوانان ايفا مي‌كنند. از اين رو، درك اثر رسانه‌ها بر روي ابعاد گوناگون شخصيت آنان، اهميت شايان توجهي دارد. رسانه‌هاي ارتباط جمعي به سبب ويژگيهاي خاصي كه دارند، مي‌توانند پيام مورد نظر فرستنده را در محيطي وسيع پخش كنند و بدين ترتيب تعداد مخاطبان بيشتري براي اين رسانه‌ها وجود دارد. از جمله رسانه‌هاي ارتباط جمعي تلويزيون است كه امروزه از پرطرفدارترين رسانه‌هاي ارتباط جمعي است. اين رسانه به سبب قابليتهاي شنيداري و ديداري مي‌تواند پاره‌اي از تجربيات خاص را براي بينندگان به نمايش بگذارد.**

**بيان مسئله**

**با توجه به آنچه تا كنون بيان شد، مي‌توان اظهار داشت كه استفاده از منابع اطلاعاتي از قبيل كتاب، روزنامه و مجله سبب تقويت دانش و مهارتهاي افراد و نيز گسترش بينش و تلطيف نگرش آنان مي‌شود. بهره‌گيري از چنين منابعي، مستلزم مهارتهايي از جمله مهارت مطالعه و خواندن است. كميّت و كيفيت استفاده از منابع اطلاعاتي غير درسي، تحت تأثير عوامل مختلفي قرار دارد. به طور مثال، ميزان در دسترس بودن اين منابع يكي از عوامل تعيين‌كننده كميت بهره‌گيري از آنها محسوب مي‌شود. اما عوامل ديگري نيز وجود دارند كه به طور غير مستقيم مؤثرند. به طور مثال، با ورود تلويزيون به عنوان يكي از رسانه هاي ديداري و شنيداري كه پتانسيل بسيار بالايي در انتقال اطلاعات و نيز آموزش مهارت، دانش و نگرش دارد، در جامعه و گسترش نفوذ آن اثرهاي متعددي بر جوانب متعدد زندگي بشر پديد آمده است. از سويي، سرعت انتقال اطلاعات فزاينده شده و از سوي ديگر با به كارگيري حواسي چون شنيدن و ديدن و با خلق صحنه هاي پويا و جذاب، طرفداران بسياري يافته است. اما جذبه تلويزيون خالي از تأثير و تأثرات نيست، زيرا ساختارهاي گوناگوني را دگرگون ساخته و شيوه زندگي را تغيير داده است. اين تأثير در پاره‌اي موارد به حدي است كه براي نمونه در باب تلويزيون و خانواده گفته مي‌شود براي اين رسانه همانند يكي از اعضا، در جمع خانواده قرار مي‌گيرد. تماشاي تلويزيون در هر صورت مقداري از زمان افراد بويژه كودكان و نوجوانان را به خود اختصاص مي‌دهد و تماشاي تلويزيون در بعد كمّي و كيفي، همواره مورد توجه محققان بوده است. در اين ميان درباره مهارتهايي از قبيل خواندن و مطالعه نيز پژوهشهايي صورت گرفته است.**

**بنا بر بعضي از پژوهشها، كساني كه از تلويزيون زياد استفاده مي‌كنند، نسبت به افرادي كه زمان كمتري را به تماشاي تلويزيون مي‌گذرانند، وقت كمتري را به فعاليتهاي مفيد ديگر اختصاص مي‌دهند (هيلموايت1 و همكاران،1958). جايگزيني اين پديده به جاي فعاليتهاي ديگر از جمله تفريح، بازي و برقراري رابطه با والدين و افراد ديگر مشاهده شده است (گانتر2 و مك‌آلير،1997). بعضي از پژوهشگران معتقدند كه تماشاي تلويزيون باعث مي‌شود ميزان مطالعه افراد در اوقات فراغت كاهش يابد (كولسترا و وان در ورت3،1996).**

**تماشاي تلويزيون سبب مي‌شود افراد كمتر به مطالعه، فعاليتهاي خارج از خانه و كارهاي مربوط به خانه رو بياورند و همچنين علاقه آنها به سرگرميهاي ديگر كاهش يابد.**

**همچنين، بعضي از پژوهشها نشان داده‌اند كه تلويزيون بر پيشرفت خواندن تأثير منفي دارد، زيرا اوقاتي را كه كودكان و نوجوانان بايد صرف خواندن و مطالعه كنند، به تماشاي تلويزيون اختصاص مي‌دهند (بنتيجز4 و وان در ورت،1988).**

**از سوي ديگر، تماشاي بيش از اندازه تلويزيون، در كودكان و نوجوانان و تأثير آن بر موفقيت تحصيلي آنها باعث نگراني والدين شده است. به طور متوسط، افراد تا 18 سالگي حدود 2 سال از زندگي خود را در مقابل تلويزيون سپري مي‌كنند، بنابراين مدت زماني را كه آنها به تماشاي تلويزيون مي‌گذرانند، قابل توجه است (كامستوك5، 1986). در اين‌‌باره برخي پژوهشها نشان داده‌اند كه فعاليتهايي مانند تماشاي تلويزيون با موفقيت تحصيلي ارتباطي منفي دارد (هود6 و ديگران،1992).**

**اما مسئله‌اي كه با افزايش كمي و كيفي برنامه‌‌هاي تلويزيون پيش مي‌آيد، آن است كه آيا اين رسانه سبب نمي‌شود دانش‌آموزان از آنچه بايد علاوه بر كتابهاي درسي به مطالعه آنها بپردازند باز بمانند؟ و آيا تلويزيون برخي از عادات از قبيل مطالعه را در دانش‌آموزان دستخوش تغيير نمي‌‌كند؟ اين مسائل همگي نيازمند تحقيق و پژوهش هستند و به هنگام تدوين طرحهاي توسعه ملي توجه به آنها مفيد فايده خواهد بود. از اين رو در اين پژوهش رابطه بين متغيرهايي از قبيل تماشاي برنامه‌هاي تلويزيوني و مطالعه كتابهاي غيردرسي، روزنامه و مجله به عنوان منابع اطلاعاتي غير درسي مورد بررسي قرار مي‌گيرد.**

**هدفهاي پژوهش**

**هدف كلي اين پژوهش، بررسي رابطه بين ميزان تماشاي برنامه‌هاي تلويزيوني و ميزان استفاده از منابع اطلاعاتي غيردرسي است. هدفهاي جزيي كه در اين مطالعه مورد توجه قرار گرفته اند، عبارتند از :**

**الف) بررسي رابطه ميان ميزان تماشاي تلويزيون و ميزان مطالعه كتابهاي غيردرسي**

**ب) بررسي رابطه ميان ميزان تماشاي تلويزيون و ميزان مطالعه مجله**

**ج) بررسي رابطه ميان ميزان تماشاي تلويزيون و ميزان مطالعه روزنامه**

**د) بررسي فراواني انواع كتابهاي غير درسي مورد مطالعه دانش‌آموزان**

**سؤالهاي پژوهش**

**براي تحقق هدفهاي پژوهش، سؤالهايي مطرح شدند:**

**1. آيا بين ميزان تماشاي تلويزيون و ميزان مطالعه كتابهاي غيردرسي رابطه‌اي وجود دارد؟**

**2. آيا بين ميزان تماشاي تلويزيون و ميزان مطالعه مجله، رابطه‌اي وجود دارد؟**

**3. آيا بين ميزان تماشاي تلويزيون و ميزان مطالعه روزنامه، رابطه‌اي وجود دارد؟**

**4. دانش‌آموزان بيشتر به مطالعه چه نوع كتابهاي غير درسي مي‌پردازند؟**

**مروري بر پژوهشهاي انجام شده**

**درباره تلويزيون و اثرهاي آن بر ابعاد گوناگون زندگي كودكان و نوجوانان، پژوهشهاي متعددي صورت گرفته است. نتايج تعدادي از مهمترين پژوهشهاي مرتبط، در ادامه ذكر شده است.**

**الف) پژوهشهاي داخل كشور**

**v در مطالعه تطبيقي كه حقيقي و همكاران (1373) انجام داده‌اند، اثرهاي تلويزيون بر كودكان و نوجوانان مورد بررسي قرار گرفته است. بر اساس اين پژوهش، داده‌هاي مهم تحقيقات در ساير كشورها عبارتند از:**

**· تلويزيون در نحوه گذران اوقات فراغت كودك تغيير ايجاد مي‌كند و فعاليتهاي خارج از خانه را كاهش مي‌دهد.**

**· تحقيقات يونسكو تا سال 1963 به اين نكات اشاره دارد كه: تأثير تلويزيون بر كودكان زماني به حداكثر خود مي‌رسد كه: 1ـ بر همان ارزشها يا ديدگاهها در برنامه‌هاي پي در پي تأكيد شود. 2ـ ارزشها با منافع و نيازهاي فوري بچه‌ها مربوط باشد. 3ـ دوستان، والدين يا اطرافيان نزديك هنوز سيستمي از ارزشها را كه در نتيجه آن كودك بتواند قضاوت درستي در مورد برنامه‌هاي تلويزيون به عمل آورد، به او القا نكرده باشند. 4ـ همانندسازي بچه با شخصيتهاي تلويزيوني نيز در رابطه ميان كودك و برنامه تلويزيون و ميزان تأثير، اهميت خاصي دارد.**

**v رستمي (1364) رابطه تماشاي تلويزيون و ميزان موفقيت دانش‌آموزان دوره متوسطه را مورد مطالعه قرار داده است. وي اين‌گونه نتيجه مي‌گيرد كه با تكيه بر اين بررسي، مشكل است كه گفته شود تماشاي تلويزيون براي بچه‌ها از نظر كسب موفقيت در مدرسه مضر است، زيرا بجز استثنايي كه در مورد دختران كلاس چهارم ديده مي‌شود، در مجموع همبستگي منفي كمتري نسبت به همبستگي مثبت وجود دارد.**

**v شيخ (1374) تحقيقي با عنوان «چگونگي پرداختن به فعاليتهاي فراغت بين نوجوانان در جامعه شهري گروه1» انجام داده است. هدف اين بررسي، شناسايي نحوة گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان جامعه شهري ايران با تأكيد بر چگونگي پرداخت آنان به فعاليتهاي مختلف اوقات فراغت است. اين تحقيق با روش پيمايش، اوقات فراغت را در بين 25000 نوجوان يا جوان 11 تا 29 سال را با استفاده از ابزار پرسشنامه و مصاحبه بررسي كرده است. يافته‌ها نشان مي‌دهد كه: 1ـ هر فرد نوجوان به طور متوسط سه ساعت در شبانه‌روز وقت فراغت دارد. 2ـ زمان فراغت نوجوانان و جوانان عموماً از حدود ساعت 16 شروع مي‌شود و تا موقع خواب ادامه پيدا مي‌كند. 3ـ از مجموعه فعاليتهايي كه در گذران وقت فراغت جوانان، درجه اول اهميت را داراست، انجام كارهاي هنري بين نوجوانان دختر است. 4ـ از فعاليتهايي كه در سپري شدن وقت فراغت جوانان در مرتبه دوم اهميت قرار دارند، ميزان پرداختن به بازي و ورزش، مطالعه روزنامه و گوش‌كردن به نوار موسيقي ميان جوانان مرد است كه نسبت به جوانان زن در حد قابل ملاحظه‌اي بيشتر است. تماشاي تلويزيون سهم زماني عمده‌اي را به خود اختصاص مي‌دهد.**

**ب) پژوهشهاي خارج از ايران**

**v موراي و كيپاكس(1978) در پژوهشي كه درباره سطح خواندن كودكان 5 تا 13 ساله در جوامع با تلويزيون و بدون تلويزيون انجام داده اند، دريافتند كودكاني كه در جوامع با چندين شبكه تلويزيوني به سر مي‌برند، كمتر كتاب مي‌خوانند و در مقايسه با گروه بدون تلويزيون، به طور معناداري كمتر به مطالعه مجله‌هاي فكاهي مي پرداختند.**

**v پژوهش بنتيجز و وان در ورت (1988) نشان مي‌دهد كه تلويزيون بر پيشرفت خواندن تأثير منفي دارد، زيرا اوقاتي را كه كودكان بايد صرف خواندن و مطالعه كنند، به تماشاي تلويزيون اختصاص مي‌دهند.**

**v انگل(1981) ميانگين زمان تماشاي تلويزيون در هفته توسط دانش‌آموزان را حدود 27 ساعت در هفته گزارش كرده است و اين در حالي است كه زمان مطالعه 8 ساعت در هفته است. در مقايسه مي‌توان گفت، زمان تماشاي تلويزيون توسط دانش‌آموزان مورد مطالعه وي، تقريباً سه برابر مدت زمان اختصاص يافته براي مطالعه است.**

**v لوين و لوين (1996) نشان داده‌اند بيشتر از نيمي دانش‌آموزان مدارس ايالات متحده آمريكا، بيش از سه ساعت در روز تلويزيون تماشا مي‌كنند. آنها همچنين دريافتند كه ميان تماشاي تلويزيون و مطالعه رابطه وجود دارد؛ بدين معني كه هر چقدر دانش‌آموزان بيشتر به تماشاي برنامه‌هاي تلويزيوني بپردازند، كمتر به مطالعه مبادرت مي‌ورزند.**

**v مورگان وگراس(1995) رابطه بين مقدار تماشاي تلويزيون و نمره‌هاي هوش و درك خواندن بيش از 600 كودك 11 الي 14 ساله را بررسي كردند. در اين پژوهش، بين مقدار تماشاي تلويزيون و عملكرد خواندن رابطه منفي معناداري مشاهده شد.**

**v ويلبر شرام درباره رسانه‌هاي مورد استفاده در بين كودكان، تعدادي از جوامع آمريكاي شمالي در شهرهايي كه تلويزيون داشته يا نداشته اند پژوهشي انجام داده‌است. او نتيجه‌گيري مي‌كند كه مطالعه كتابها، روزنامه‌ها و مجله‌ها با كيفيت بالا تحت تأثير تلويزيون قرار نگرفته اما مطالعه كتابهاي طنز و مجله‌ها با كيفيت پايين، با ورود تلويزيون كاهش يافته است.**

**روش پژوهش**

**براي انجام اين پژوهش، از روش زمينه‌يابي استفاده شد. بدين منظور، پرسشنامه‌اي تهيه و در اختيار نمونه آماري قرار گرفت.**

**جامعه آماري، نمونه آماري و شيوه نمونه گيري**

**جامعه آماري اين پژوهش، تمامي دانش‌آموزان پسر دوره راهنمايي شهر كرمان هستند. در مجموع 17860 دانش‌آموز جامعه آماري اين پژوهش را تشكيل مي‌دهند كه جدول مربوط به آن در ادامه آمده است.**

**جدول شماره1. دانش‌آموزان پسر مدارس راهنمايي شهر كرمان**

**ناحيه آموزشي**

**تعداد مدرسه**

**تعداد دانش‌آموز**

**1**

**40**

**8145**

**2**

**52**

**9715**

**جمع**

**92**

**17860**

**بر اساس جدولي كه كرجسي و مورگان (1970) براي تعيين حجم نمونه كافي پيشنهاد كرده‌اند، براي جامعه آماري به حجم 20 هزار عضو، با در نظر گرفتن سطح اطمينان 95% (05/0 = ?)، 377 نفر به عنوان حداقل نمونه آماري محسوب مي‌شود. بر اين اساس از ميان 17860 دانش آموز پسر مدارس راهنمايي شهر كرمان كه جامعه آماري اين پژوهش را تشكيل مي‌دهند، تعداد 600 دانش‌آموز به عنوان نمونه آماري انتخاب شدند. براي انتخاب نمونه آماري، از روش نمونه‌گيري خوشه‌اي استفاده شد؛ بدين ترتيب كه از ميان مدارس پسرانه راهنمايي شهر كرمان، از هر منطقه چهار مدرسه انتخاب شد. در هر مدرسه نيز از هر پايه تحصيلي يك كلاس انتخاب شد. انتخاب پايه‌هاي تحصيلي در مدارس براي آن بود كه دانش‌آموزان هر سه پايه اول، دوم و سوم راهنمايي در نمونه آماري موجود باشد.**

**ابزار جمع‌آوري داده‌ها**

**در اين پژوهش از پرسشنامه‌اي محقق ساخته استفاده شد. در اين پرسشنامه، سؤالهايي درباره ميزان تماشاي تلويزيون، مقدار زمان اختصاص داده شده براي مطالعه، نوع كتابهايي كه آنان مطالعه مي كنند و... مطرح شده است.**

**روايي و پايايي ابزار اندازه‌گيري**

**به منظور تأمين روايي ابزار اندازه‌گيري، روش نظر متخصصان مورد استفاده قرار گرفت. بدين‌ منظور، از نظر 7 تن از متخصصان تعليم و تربيت استفاده شد. پس از بررسي، سؤالهاي نامناسب حذف و سؤالهايي مناسب به مجموعه اضافه شد.**

**براي بررسي پايايي ابزار اندازه‌گيري، از روش آماري آلفاي كرانباخ استفاده شد. ضريب به دست آمده (72/0= ?) نشان مي‌دهد كه ابزار اندازه‌گيري از پايايي نسبتاً بالايي برخوردار است. بنابراين، مي‌توان به دقيق بودن ابزار اندازه‌گيري تا حد زيادي اطمينان داشت.**

**روش تجزيه و تحليل داده‌ها**

**به منظور تجزيه و تحليل داده‌هاي به دست آمده از پرسشنامه، از روشهاي توصيفي آماري مانند فراواني و درصد و همچنين روش استنباطي خي دو يا مجذور كاي، استفاده شد.**

**يافته‌هاي پژوهش**

**به منظور تحليل داده‌هاي به دست آمده از پژوهش و دستيابي به پاسخ سؤالهاي مورد نظر مطالعه، ابتدا هر سؤال را طرح نموده و سپس آن را مورد بررسي قرار مي‌دهيم.**

**سؤال اول‌ـ آيا بين ميزان تماشاي تلويزيون و ميزان مطالعة كتابهاي غير درسي رابطه‌اي وجود دارد؟**

**به منظور بررسي رابطه بين متغيرهاي ميزان تماشاي تلويزيون و ميزان مطالعه كتابهاي غيردرسي از آزمون خي‌دو استفاده شد.**

**جدول شماره2. جدول توافقي متغيرهاي ميزان تماشاي تلويزيون و ميزان مطالعه كتابهاي غيردرسي**

**ميزان مطالعه كتابهاي غيردرسي**

**ميزان تماشاي تلويزيون**

**اصلاً نمي‌خوانم**

**كمتر از**

**يك ساعت**

**بيشتر از يك ساعت**

**جمع**

**كمتر از يك ساعت**

**19**

**12**

**6**

**37**

**بين يك تا دو ساعت**

**105**

**72**

**21**

**198**

**بين دو تا چهار ساعت**

**89**

**52**

**15**

**156**

**بين چهار تا شش ساعت**

**53**

**35**

**20**

**108**

**شش ساعت و بيشتر**

**44**

**31**

**11**

**86**

**جمع**

**310**

**202**

**73**

**585**

**مقدار خي‌دو: 533/6**

**درجه آزادي: 8**

**سطح معناداري: 588/0**

**براي آن كه بتوان از آزمون خي‌دو به درستي نتيجه‌گيري كرد، لازم بود برخي از رديفها و ستونها در جدول ادغام شوند تا فراوانيهاي موجود در سلولها از حد لازم كمتر نشود. از اين رو، دو طبقه «بين يك تا دو ساعت» و «بيشتر از دو ساعت» مربوط به متغير ميزان مطالعه كتابهاي غيردرسي با هم ادغام شد و طبقه «بيشتر از يك ساعت» را تشكيل داد. همچنين طبقات «بين شش تا هشت ساعت» و «بيشتر از هشت ساعت» مربوط به متغير ميزان تماشاي تلويزيون، در يكديگر ادغام شد و طبقه «شش ساعت و بيشتر» به وجود آمد.**

**با توجه به جدول شماره 2، مي‌توان گفت مقدار خي‌دو برابر 533/6 است و اين مقدار با درجه آزادي 8 و در سطح اطمينان 99% معنادار نيست، لذا رابطه‌اي ميان اين دو متغير مشاهده نمي‌شود. بنابراين، مي‌توان نتيجه گرفت كه بين ميزان تماشاي تلويزيون و ميزان مطالعه كتابهاي غير درسي توسط دانش‌آموزان، رابطه‌اي معنادار وجود ندارد.**

**سؤال دوم‌ـ آيا بين ميزان تماشاي تلويزيون و ميزان مطالعة مجله، رابطه‌اي وجود دارد؟**

**براي پي‌بردن به وجود يا عدم وجود رابطه ميان دو متغير ميزان تماشاي تلويزيون و ميزان مطالعه مجله، از آزمون خي‌دو استفاده شد.**

**جدول شماره3. جدول توافقي متغيرهاي متغير ميزان تماشاي تلويزيون و ميزان مطالعه مجله**

**ميزان مطالعه مجله**

**ميزان تماشاي تلويزيون**

**اصلاً نمي‌خوانم**

**كمتر از**

**يك ساعت**

**بين يك تا دو ساعت**

**جمع**

**كمتر از دو ساعت**

**133**

**83**

**19**

**235**

**بين دو تا چهار ساعت**

**81**

**53**

**22**

**156**

**بين چهار تا شش ساعت**

**45**

**38**

**25**

**108**

**بين شش تا هشت ساعت**

**14**

**15**

**8**

**37**

**هشت ساعت و بيشتر**

**22**

**16**

**11**

**49**

**جمع**

**295**

**205**

**85**

**585**

**مقدار خي‌دو: 055/21**

**درجه آزادي: 8**

**سطح معناداري: 007/0**

**براي تحليل داده‌هاي مربوط به اين سؤالها طبقات «كمتر از يك ساعت» و «بين يك تا دو ساعت» مربوط به متغير ميزان تماشاي تلويزيون با يكديگر ادغام شد و طبقه پاسخ «كمتر از دو ساعت» را تشكيل داد.**

**همچنين طبقات «بين يك تا دو ساعت» و «بيشتر از دو ساعت» با يكديگر ادغام شده و طبقه‌اي به نام «بيشتر از يك ساعت» به وجود آمد.**

**همان‌طور كه در جدول شماره 3 مشاهده مي‌شود، مقدار خي‌دو برابر 055/21 است. از آنجا كه سطح معناداري موجود در جدول (007/0) از 01/0 كوچكتر است، بنابراين با درجه آزادي 8 و در سطح اطمينان 99% مي‌توان گفت كه بين دو متغير ميزان تماشاي تلويزيون و ميزان مطالعه مجله، رابطه‌اي معنادار وجود دارد.**

**از تركيب جدول بر مي‌آيد كه اين رابطه منفي است؛ بدين معنا كه هر چه ميزان تماشاي تلويزيون توسط دانش‌آموزان افزايش مي‌يابد، ميزان مطالعه مجله توسط آنان كاهش مي‌يابد.**

**سؤال سوم‌ـ آيا بين ميزان تماشاي تلويزيون و ميزان مطالعه روزنامه رابطه‌اي وجود دارد؟**

**براي بررسي رابطه بين متغير ميزان تماشاي تلويزيون و ميزان مطالعه روزنامه نيز آزمون خي‌دو استفاده شد.**

**جدول شماره4. جدول توافقي متغيرهاي ميزان تماشاي تلويزيون و ميزان مطالعه روزنامه**

**ميزان مطالعه روزنامه**

**ميزان تماشاي تلويزيون**

**اصلاً نمي‌خوانم**

**كمتر از**

**پانزده دقيقه**

**بيشتر از**

**پانزده دقيقه**

**جمع**

**كمتر از يك ساعت**

**20**

**10**

**7**

**37**

**بين يك تا دو ساعت**

**114**

**44**

**40**

**198**

**بين دو تا چهار ساعت**

**78**

**45**

**33**

**156**

**بين چهار تا شش ساعت**

**52**

**26**

**30**

**108**

**بين شش تا هشت ساعت**

**16**

**11**

**10**

**37**

**هشت ساعت و بيشتر**

**18**

**14**

**15**

**47**

**جمع**

**298**

**150**

**135**

**583**

**مقدار خي‌دو: 164/10**

**درجه آزادي: 10**

**سطح معناداري: 426/0**

**جدول شماره 4 نشان مي‌دهد كه مقدار خي‌دو برابر 164/10 است. با توجه به سطح معناداري مربوط، از آنجا كه مقدار سطح معناداري (426/0) از 01/0 بزرگتر است، با درجه آزادي 10 و در سطح اطمينان 99%، مي‌توان گفت بين ميزان تماشاي تلويزيون و ميزان مطالعه روزنامه توسط دانش‌آموزان، رابطه‌اي معنادار وجود ندارد.**

**سؤال چهارم‌ـ دانش‌آموزان بيشتر به مطالعه چه نوع كتابهاي غير درسي مي‌پردازند؟**

**پيش از اين، ميزان تماشاي تلويزيون و ميزان مطالعه كتابهاي غيردرسي مورد بررسي قرارگرفت. براي درك بهتر متغير ميزان مطالعه كتابهاي غيردرسي كه بعد كمي آن را نشان مي‌دهد، بهتر است نوع مطالعه غيردرسي كه بيانگر بعد كيفي آن است، بررسي شود. با تحليل داده‌هاي به دست آمده از دانش‌آموزان، نوع مطالعه غيردرسي آنان مشخص شده است. براي انجام اين تحليل، از روشهاي توصيفي استفاده شده است.**

**جدول شماره5. نوع مطالعه غير درسي دانش‌آموزان**

**كتابهاي غيردرسي مورد مطالعه**

**فراواني**

**درصد**

**كتابهاي علمي**

**4**

**8/1**

**كتابهاي داستان و شعر**

**57**

**1/25**

**كتابهاي طنز**

**106**

**7/46**

**كتابهاي كمك آموزشي**

**60**

**4/26**

**كتابهاي كمك آموزشي**

**4/26%**

**كتابهاي طنز**

**7/46%**

**كتابهاي علمي**

**8/1%**

**كتابهاي داستان و شعر**

**1/25%**

**نمودار شماره2. توزيع مطالعه غيردرسي دانش‌آموزان**

**از جدول شماره 5 و نمودار شماره 1 چنين بر مي‌آيد كه دانش‌آموزان بيشتر كتابهاي غير درسي طنز را مطالعه مي‌كنند و ميزان مطالعه كتابهاي غير درسي علمي از همه كمتر است. ميزان مطالعه كتابهاي كمك آموزشي و داستان و شعر تا حدودي هم اندازه است. ميزان مطالعه اين كتابها از كتابهاي طنز كمتر و از كتابهاي علمي بيشتر است.**

**بحث و نتيجه‌گيري**

**پژوهش حاضر نشان داد، بين ميزان تماشاي تلويزيون و ميزان مطالعه كتابهاي غير درسي رابطه‌اي معنادار وجود ندارد. در حالي كه بين ميزان تماشاي تلويزيون و ميزان مطالعه مجله، رابطه‌اي معنادار وجود دارد؛ بدين صورت كه هر چه ميزان تماشاي تلويزيون توسط دانش‌آموزان افزايش مي‌يابد، ميزان مطالعه مجله توسط آنان كاهش مي‌يابد. همچنين، بر اساس نتايج به دست آمده از مطالعه حاضر، بين ميزان تماشاي تلويزيون و ميزان مطالعه روزنامه توسط دانش‌آموزان رابطه‌اي معنادار مشاهده نشد. درباره توزيع مطالعه كتابهاي غيردرسي، اين نتيجه به دست آمد كه در بين كتابهاي غيردرسي، دانش‌آموزان بيشتر كتابهاي طنز را مطالعه مي‌كنند و ميزان مطالعه كتابهاي غيردرسي علمي از كتابهاي كمك آموزشي، داستان و شعر نيز كمتر است. در ادامه، هر يك از نتايج عمده به دست آمده از اين پژوهش را مورد بحث قرار مي‌دهيم.**

**يافته اول) بين ميزان تماشاي تلويزيون و ميزان مطالعه كتابهاي غيردرسي رابطه‌اي معنادار وجود ندارد.**

**بر اساس اين يافته، تعداد ساعتهايي كه دانش‌آموزان در واحد زماني معيّن مانند شبانه روز يا هفته به مطالعه كتابهاي غير درسي مي‌پردازند، تحت تأثير ميزان تماشاي تلويزيون قرار نمي‌گيرد. اين يافته با نتايج حاصل از پژوهشي كه موراي و كيپاكس(1878) و لوين و لوين (1996) انجام داده‌اند، همخواني ندارد. موراي و كيپاكس دريافتند كودكاني كه به تلويزيون دسترسي دارند، كمتر به مطالعه كتاب مي‌پردازند. همچنين، لوين و لوين نيز ميان تماشاي تلويزيون و مطالعه كتاب رابطه‌اي يافتند؛ بدين صورت كه هر چقدر دانش‌آموزان بيشتر به تماشاي برنامه‌هاي تلويزيوني مي‌پردازند، كمتر به مطالعه كتاب مبادرت مي‌ورزند. البته بايد توجه داشت موراي و كيپاكس و همچنين لوين و لوين مطالعه كتاب به طور كلي را مد نظر قرار داده‌اند، در حالي كه در پژوهش حاضر مطالعه كتابهاي غير درسي مورد توجه بوده است.**

**شايد بتوان نبود همخواني بين يافته‌هاي پژوهش حاضر با يافته پژوهشهاي ديگري را كه ذكر شد، به مطالعه اندك دانش‌آموزان ارتباط داد. از ميان دانش‌آموزان، 5/87 درصد اظهار داشته اند كه يا به مطالعه كتاب نمي‌پردازند و يا كمتر از يك ساعت در شبانه روز كتاب غير درسي مطالعه مي كنند. همان طور كه مشاهده مي‌شود، نسبت زيادي از دانش‌آموزان مدت زمان چنداني را به مطالعه اختصاص نمي‌دهند و از اين رو مشاهده تلويزيون نمي‌تواند روي اين ميزان اندك مطالعه اثر گذار باشد.**

**يافته دوم) بين ميزان تماشاي تلويزيون و ميزان مطالعه مجله رابطه‌اي معنادار وجود دارد.**

**اين يافته نشان مي‌دهد كه افزايش تماشاي تلويزيون سبب مي‌شود مطالعه مجله كاهش يابد. اين يافته با نتيجه‌اي كه از پژوهش موراي و كيپاكس (1978) به دست آمده است همخواني دارد، زيرا ايشان به اين نتيجه رسيده‌اند دانش‌آموزاني كه بيشتر به تماشاي برنامه‌هاي تلويزيوني مي‌پردازند، در مقايسه با گروهي كه كمتر به تماشاي تلويزيون مبادرت مي‌ورزند، كمتر به مطالعه مجله‌ها مي‌پردازند.**

**البته، ويلبر شرام معتقد است هر چند با ورود تلويزيون به جوامع مطالعه مجله‌ها كاهش يافته است، ولي ميزان مطالعه مجله‌هايي كه كيفيت بالايي دارند، تحت تأثير تلويزيون قرار نگرفته است. مطالعه مجله‌هاي با كيفيت پايين در اثر افزايش تماشاي تلويزيون، دستخوش تغييراتي شده و سير نزولي مي‌يابد.**

**با بهره‌گيري از نتايجي كه شرام به دست آورده است، شايد بتوان بيم آن را داشت كه مجله‌هاي تهيه شده در داخل كشور، كيفيت چندان بالايي ندارند و اين امر مي‌تواند سبب شود كه تماشاي تلويزيون نسبت به مجله‌ها براي دانش‌آموزان دوره راهنمايي كه در دوران نوجواني قرار دارند، جاذبه بيشتري ايجاد كند. از اين رو، بايد به دانش‌آموزان توصيه شود تا به مطالعه مجله‌هاي مفيدي كه براي آنان تهيه مي‌شود بپردازند و از سوي ديگر ساز و كارهايي به وجود آيد كه مشوّق آنان به صرف وقت براي مطالعه مجله‌ها باشد. متوليان امر كه به تهيه مجله‌هاي ويژه نوجوانان مبادرت مي ورزند نيز بايد با بهره‌گيري از آخرين دستاوردهاي علمي، فني و هنري در اين زمينه، كيفيت محصولات خويش را افزايش دهند.**

**يافته سوم) بين ميزان تماشاي تلويزيون و ميزان مطالعه روزنامه توسط دانش‌آموزان رابطه‌اي معنادار وجود ندارد.**

**ويلبر شرام از پژوهشي كه درباره رسانه‌هاي مورد استفاده در جوامع آمريكاي شمالي انجام داده است، چنين نتيجه‌گيري كرده كه ميزان مطالعه روزنامه،‌ تحت تأثير تلويزيون قرار گرفته است. با نگاهي بر پاسخ آزمودنيها مشاهده مي‌شود كه حدود 79% از آزمودنيها يا اصلاً روزنامه مطالعه نمي‌كنند يا مدت زمان مطالعه آنان در شبانه روز كمتر از پانزده دقيقه است. از اين رو، شايد نرخ اندك مطالعه كنندگان روزنامه باعث شده بين دو متغير ميزان تماشاي تلويزيون و ميزان مطالعه روزنامه در اين جامعه آماري، رابطه‌اي مشاهده نشود.**

**يافته چهارم) دانش‌آموزان از بين كتابهاي غيردرسي، بيشتر به مطالعه كتابهاي طنز مي‌پردازند.**

**بر اساس داده‌هاي پژوهش، 7/46% از دانش‌آموزان از ميان كتابهاي غير درسي به مطالعه كتابهاي طنز مي‌پردازند. 43/26% از آنان كتابهاي كمك آموزشي مطالعه مي‌كنند، 1/25% كتابهاي داستان و شعر مي‌خوانند و ميزان مطالعه كتابهاي علمي 8/1% است.**

**اين يافته نشان مي‌دهد كه اكثر دانش‌آموزان كتابهاي طنز مطالعه مي‌كنند كه اين امر مي‌تواند هدفهاي مختلفي از جمله سرگرمي و فرار از مشكلات فكري و تلاش براي ايجاد محيطي تفريحي را در پي داشته باشد. از آنجا كه كتابهاي طنز فرصتي براي فراغت دانش‌آموزان ايجاد مي‌كند و دانش‌آموزان را از پرداختن به كارهايي كه مستلزم تفكر است نسبت به كتابهاي علمي بي‌نيازتر مي‌سازد، لذا طالب و خواهان بيشتري دارد. هر چند كتابهاي كمك آموزشي نيازمند تفكر و ممارست ذهني است، اما دانش‌آموزان به سبب نيازي كه به آنها احساس مي‌كنند، به مطالعه اين قبيل كتابها مي‌پردازند. شايد بتوان گفت، دانش‌آموزان احساس نياز چنداني به مطالعه كتابهاي داستان، شعر و بويژه كتابهاي علمي نداشته‌اند.**

**در مورد استفاده قابل توجه از كتابهاي كمك آموزشي در قياس با كتابهاي علمي، مي‌توان دلايلي را مورد توجه قرار داد. گسترش روزافزون كتابهاي كمك آموزشي كه امروزه مؤسسه‌هاي مختلف در قالبهايي چون كتاب راهنما يا حل المسائل منتشر مي‌كنند، مي‌تواند اين وضعيت را سبب شده باشد. اقبال اين نوع كتابها به سبب روندي كه مسير آن به آزمون ورودي دانشگاه يا كنكور ختم مي‌شود، پديده‌اي نوظهور است كه تا حدي شيوة آموزش در مدارس را تحت تأثير خود قرار داده است. اين پديده بسيار قابل تأمل است، زيرا اگر دانش‌آموزان و معلمان و به طور كلي سيستم آموزشي مدارس را به سطحي نگري و آموزش مناسب براي كنكور سوق دهد، مي‌‌تواند پيامدهاي نامطلوبي را در پي داشته باشد. اما اگر استفاده از كتابهاي كمك آموزشي سبب ايجاد فرصتهاي بيشتر يادگيري براي دانش‌آموزان شود، آنان را در مسير رسيدن به هدفهاي خويش ياري خواهد رساند.**

**اين امر كه دانش‌آموزان بيش از هر كتاب غير درسي ديگر به كتابهاي طنز مي‌پردازند نبايد نگراني چنداني ايجاد كند، زيرا مي‌توان از جاذبه و كشش كتابهاي طنز استفاده كرد و با پربار كردن آنها و نيز استفاده از اين روش در كتابهاي علمي و آموزشي دانش‌آموزان را به يادگيري و كسب اطلاعات مورد نياز براي زندگي ترغيب كرد. به علاوه، اتكاي صرف دانش‌آموزان به كتابهاي درسي نمي‌تواند يادگيري عميق علمي را در آنان سبب شود و به نظر مي رسد معلمان در كنار تدريس كتابهاي درسي بايد دانش‌آموزان را ترغيب كنند كه از ديگر منابع علمي و از جمله كتابهاي غير درسي علمي استفاده كنند. اين امر در سايه ارائه تكاليف خاص به آنان و برنامه ريزي براي گسترش دامنة مطالعه دانش‌آموزان، ميسر مي‌گردد.**

**منابع**

**ـ اكبرزاده، علي و شكوهي، يكتا(1381) تلويزيون و ادراك كودكان. فصلنامه تعليم و تربيت. شماره 3، ص 56-33**

**ـ حقيقي، ابراهيم و همكاران(1373) كودك، نوجوان و تلويزيون. صدا و سيماي جمهوري اسلامي ايران، مركز تحقيقات، مطالعات و سنجش برنامه‌اي.**

**ـ دور، امه (1374) تلويزيون و كودكان: رسانه‌اي خاص براي مخاطباني خاص. (ترجمه علي رستمي). تهران: سروش**

**ـ رستمي، علي(1364) رابطه تماشاي تلويزيون و ميزان موفقيت دانش‌آموزان دوره متوسطه. صدا و سيماي جمهوري اسلامي ايران، مركز تحقيقات، مطالعات و سنجش برنامه‌اي.**

**ـ رشيد پور، ابراهيم(1372) تلويزيون و اطفال. تهران: سروش**

**ـ شرام، ويلبر(1353) نظري اجمالي بر نتايج تحقيقات در زمينه تأثير تلويزيون بر كودكان و نوجوانان.(مترجم بي‌نا).پويه،ش 3**

**ـ شهرآراي، مهرناز(1373) بررسي تأثير تلويزيون بر مهارتهاي تحصيلي كودكان و نوجوانان. فصلنامه تعليم و تربيت، شماره 2**

**ـ شيخ، سعادت(1374) چگونگي پرداختن به فعاليتهاي فراغت بين نوجوانان در جامعه شهري گروه 1. نهاد رياست جمهوري، شوراي عالي جوانان**

**ـ كازنو، ژان(1370) قدرت تلويزيون. (ترجمه علي اسدي). تهران: اميركبير**

**ـ كازنو، ژان(1370) جامعه شناسي راديو و تلويزيون. (ترجمه جمشيد ارجمند) مجله تماشا، شماره 3**

**ـ مهاجري، اصغر(1374) بررسي اثرات تلويزيون بر روي كودكان و نوجوانان شهرستان ابهر. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، شوراهاي پژوهشي ادارات كل فرهنگ و ارشاد اسلامي استانها، استان زنجان.**

**-Angle, B. D. (1981). The relationship between children's televiewing and the variables of reading attitude, reading achievement, book reading, and IQ in a sample of fifth grade children (Doctoral dissertation, University of Akron, 1981). ProQuest Dissertation abstracts, DAI-A 41/08. (Order No. AAC 8102796)**

**-Bachen, C. M., Hornby, M. C., Roberts, D. F., Hernandez-Ramos, P. F. (1982). Television viewing behavior and the development of reading skills: Survey evidence (Report No. CS-006573). New York, N.Y.: Annual Meeting of the American Educational Research Association. (ERIC Document Reproduction Services No. ED214150)**

**-Beentjes, B. J. (1988). Television's impact on children's reading skills: A review of research. Reading Research Quarterly, 23, 389-413.**

**-Henggeler, S. and Cohen, R. (1991). Family stress as a link in the association between television viewing and achievement. Child Study Journal, 21 (1), 11-20.**

**-Kohr, R. L. (1979). The relationship of homework and television viewing to cognitive and noncognitive student outcomes (Report No. IR-007608). San Francisco, California: Annual Meeting of the National Council for Measurement in Education. (ERIC Document Reproduction Services No. ED175441)**

**-Levine, D.U., and Levine R.F. (1996). Society and Education (9th ed.). Boston, MA: Allyn and Bacon, pp. 121-124.**

**-Neuman, S. B. (1995). Literacy in the television age: The myth of the TV effect (2nd ed.). Greenwich, CT: Albex Publishing.**

**-Razel, M. (2001). The complex model of television viewing and educational achievement. Journal of Educational Research, 94 (6), 371-380.**

**-Sharman, K. J. (1979). Children's television behavior: Its antecedents and relationship to school performance (Report No. IR-007850). Melbourne, Australia: Australian Council for Educational Research - Hawthorn. (ERIC Document Reproduction Services No. ED179190)**

**-Shastri, J., and Mohite, P. (1997). Television viewing pattern of primary school children and its relationship to academic performance and cognitive skills. International Journal of Early Years Education, 5 (2), 152-160.**

**-Wober, J. M. (1992). Text in a texture of television: Children's homework experience. Journal of Educational Television, 18 (1), 23-35.**

**-Wright, J. C., Auston, A. C., Murphy, K. C., St. Peters, M., Pinon, R. S., and Kotler, J. (2001). The relations of early television viewing to school readiness and vocabulary of children from low-income families: The Early window project. Child Development, 72 (5), 1347-1366.**

**--------------------------------------------------------------------------------**

**1. عضو هيئت علمي دانشگاه شهيد چمران اهواز**

**2. كارشناس ارشد تكنولوژي آموزشي**

**3. عضو هيئت علمي دانشگاه علامه طباطبايي**